

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۵ نومبر ۲۰۱۱

## انقلاب دموکراتیک نوین

با اولین جنگ جهانی امپریالیستی و نخستین انقلاب پرولتاریائی پیروزمند انقلاب اکتوبر روسیه، تمام جریان تاریخ و تکامل آن دگرگون می گردد و دوران جدیدی در انقلاب جهانی آغاز می شود. در این دوران نوین، جبهه سرمایه داری در یک ششم کره زمین فرو ریخته و در بخش های دیگر پوسیدگی خود را به وضوح می نمایاند. سرمایه داری جهانی وارد مرحله احتضار خود گردیده و بدون تکیه بر مستعمرات و نیمه مستعمرات قادر به ادامه حیات نیست. تضاد های مختلف امپریالیسم به حد اعلی می رسند و مرحله انقلاب پرولتاریائی و دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم در کشور های سوسیالیستی فرا می رسد.

در کشور های تحت سلطه امپریالیسم (مستعمرات و نیمه مستعمرات) نیز، انقلاب رهائی بخش ملی و ضد امپریالیستی به مرحله نوینی گام می نهد. در این کشور ها، دوران انقلابات بورژوا – دموکراتیک تراز کهنه سپری می شود، زیرا امپریالیسم از هر گونه امکان رشد مستقل این کشور های وابسته جلوگیری می کند و به مانع اساسی رشد مستقل این جوامع، تبدیل اساسی استقرار سیستم سرمایه داری آزاد و ملی در این کشور ها تبدیل می گردد. بدین ترتیب، از آنجائی که جنبش های رهائی بخش ملی دوران جدیدی در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری به وقوع می پیوندد، از آنجائی که سوسیالیسم در بخشی از کره ارض مستقر گردیده و دولت سوسیالیستی و پرولتاریای کشور های سرمایه داری از این جنبش های رهائی بخش پشتیبانی می کنند و بالاخره از آنجائی که هر گونه رشد سرمایه داری مستقل در این کشور ها، به علت نفوذ و کنترل و سلطه امپریالیسم، مسدود شده است و بورژوازی ملی این کشور ها به علت ضعف اقتصادی و سیاسی خود قادر به ایفای نقش تاریخی خود نیست، انقلابات رهائی بخش ملی در مستعمرات و نیمه مستعمرات و به طور کلی در جوامع تحت تسلط امپریالیسم از مقوله کهنه بورژوا – دموکراتیک تراز کهن خارج شده و بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی – سوسیالیستی گردیده و رسالت رهبری مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک بر دوش پرولتاریا می افتد.

لنین و استالین با جمع بندی از اهمیت تاریخی و جهانی انقلاب اکتوبر خاطر نشان ساختند که کمونیست ها و پرولتاریائی کشور های تحت سلطه امپریالیسم که اکثریت جمعیت آنها را دهقانان تشکیل می دهند، می توانند به

اتکای تیوری و پراتیک عام کمونیسم و تطبیق آن با شرایط ویژه خود و به کمک پرولتاریای بین المللی و کشور های سوسیالیستی، "پس از طی مراحل معین تکامل، بدون گذار از جامعه سرمایه داری به کمونیسم نایل آیند." <sup>1</sup> مائوتسه دون به اتکای آموزش های لنین و استالین و روح انقلابی مارکسیسم و بر مبنای شرایط جهانی جدید و در جریان بزرگ ترین پراتیک انقلابی دوران معاصر ما (انقلاب چین) با خلاقیت شگرفی تیوری انقلاب در کشور های تحت سلطه امپریالیسم را تدوین نمود. مائوتسه قانونمندی و چگونگی انجام انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیسم را نشان داد و بدین سان مارکسیسم را در پراتیک تلفیق آن با مسایل مشخص انقلاب چین و انطباق آن با مسایل انقلاب دوران ما و امر انقلاب خلق های ستمدیده بسط و تکامل و به مرحله عالی تری ارتقاء داد.

تیوری انقلاب دموکراتیک نوین که توسط مائوتسه دون تدوین شده است، تیوری انقلابی در کشور های تحت سلطه امپریالیسم است. وی در اثر داهیانۀ خود "در بارۀ دموکراسی نوین" تیوری، ستراتیژی و تاکتیک انقلاب دموکراتیک نوین را چنین بیان می کند: "در چنین دورانی، چنانچه در هر کشور مستعمره و نیمه مستعمره انقلاب علیه امپریالیسم یعنی علیه بورژوازی بین المللی و یا سرمایه داری بین المللی بر پا شود، این انقلاب از این پس دیگر بخشی از انقلاب جهانی بورژوائی و یا سرمایه داری کهن نیست، بلکه بخشی از انقلاب جهانی نوین یعنی انقلابات جهانی پرولتاریائی - سوسیالیستی است (...). با آنکه چنین انقلابی در مستعمرات و نیمه مستعمرات در نخستین مرحله یا نخستین گام خود از لحاظ خصلت اجتماعی هنوز اصولاً یک انقلاب بورژوا دموکراتیک است (...). معذک این انقلاب دیگر از نوع انقلاب کهنه نیست که بورژوازی آن را رهبری می کند و هدفش استقرار جامعه سرمایه داری و دولت دیکتاتوری پرولتاریا مشترک کلیه طبقات انقلابی است. از اینرو این انقلاب درست برای رشد سوسیالیسم راه باز هم وسیعتری را می گشاید (...). چنین انقلابی امپریالیسم را از اساس مورد ضربه قرار می دهد و از این جهت امپریالیسم آن را قبول نمی کند بلکه با آن به مبارزه بر می خیزد. اما این انقلاب از طرف سوسیالیسم مورد قبول واقع می شود و دولت سوسیالیستی و پرولتاریای بین المللی به آن یاری می رساند. از اینروست که چنین انقلابی نمی تواند به بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی - سوسیالیستی تبدیل نگردد." <sup>2</sup>

به اساس آموزش های مائوتسه دون، انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیسم از دو مرحله تشکیل می شود و بنابراین دارای وظایف دوگانه است. نخستین مرحله انقلاب انجام انقلاب دموکراتیک نوین و دومین مرحله آن - که پس از پایان مرحله اول و پس از انجام وظایف آن آغاز می گردد - انتقال به مرحله سوسیالیستی است: "این دو مرحله، دو پروسه انقلابی را تشکیل می دهند که خصلتاً با هم فرق دارند و تنها وقتی که اولی پایان می یابد، می توان به انجام دومی پرداخت. انقلاب دموکراتیک به منزله تدارک ضروری برای انقلاب سوسیالیستی است و انقلاب سوسیالیستی به طور اجتناب ناپذیر دنباله انقلاب دموکراتیک نوین است." <sup>3</sup>

در مورد مضمون سیاسی و اقتصادی انقلاب دموکراتیک نوین، مائوتسه دون می گوید: "از نظر سیاسی، این انقلاب مبین دیکتاتوری مشترک طبقات انقلابی است علیه امپریالیست ها، خابنین به ملت و مرتجعین و به ضد تبدیل جامعه چین به جامعه دیکتاتوری بورژوازی مبارزه می کند. از نظر اقتصادی، مضمون انقلاب عبارت از این است که سرمایه های کلان و مؤسسات بزرگی که به امپریالیست ها، خابنین به ملت و مرتجعین تعلق دارند، در دست دولت قرار گیرند و دولت آنها را اداره کند، زمین های طبقه مالکان ارضی بین دهقانان تقسیم شوند، در عین حال

<sup>1</sup> - لنین: "گزارش به کنگره انترناسیونال کمونیست"

<sup>2</sup> - مائوتسه دون: "در بارۀ دموکراسی نوین"

<sup>3</sup> - مائوتسه دون: "انقلاب چین و حزب کمونیست چین"

مؤسسات خصوصی سرمایہ داری به طور کلی حفظ می گردند و اقتصاد دهقانان مرفه از بین برده نمی شود. به همین جهت این انقلاب دموکراتیک تراز نوین از یک طرف راه را برای سرمایہ داری هموار می کند، ولی از طرف دیگر شرط مقدماتی را برای سوسیالیسم فراهم می آورد.<sup>4</sup>

اساس جمهوری دموکراسی نوین بر این اصل استوار است که این انقلاب با این که خصلت بورژوا دموکراتیک (و نه سوسیالیستی) دارد و با این که "درخواست های عینی آن در جهت گشودن راه رشد سرمایہ داری سیر می کند."<sup>5</sup>، لکن "برای رشد سوسیالیسم راه باز هم وسیعتری را می گشاید."<sup>6</sup> این ارزیابی مائوتسه دون قابل مقایسه است با نظر مشابهی که لنین در انقلاب دموکراتیک ۱۹۰۵ روسیه ارائه می دهد، مبنی بر این که: "انقلاب بورژوائی برای پرولتاریا مسلماً ضروری است. هر چه انقلاب بورژوائی کاملتر و قطعی تر و هر چه پیگیری آن بیشتر باشد، همانقدر هم مبارزه پرولتاریا با بورژوازی در راه نیل به سوسیالیسم بیشتر تأمین خواهد بود (...)

انقلاب بورژوائی از لحاظ معینی برای پرولتاریا بیشتر سودمند است تا برای بورژوازی"<sup>7</sup>

مائوتسه دون در شرایط نوین تاریخی، در کشور تحت سلطه امپریالیسم، به تدوین تیوری انقلاب دموکراتیک در این شرایط و در این کشور ها به اساس تیوری مارکسیسم و شرایط مشخص کشوری مانند چین پرداخته و ستراتیژی و برنامه و راه های حل مشخص تحقق این امر را ارائه می دهد. مطابق این تیوری، انقلاب دموکراتیک نوین نه تنها به طرز ریشه ای بقایای جامعه کهن و سلطه کلیه طبقات ارتجاعی وابسته به امپریالیسم را از بین برده و راه را برای رشد سرمایہ داری باز می کند، بلکه از این گشوده شدن راه رشد سرمایہ داری نه برای استقرار جمهوری بورژوائی تراز کهن، بلکه برای استقرار پایه های سوسیالیسم استفاده می کند. این دو جبهه انقلاب همواره به طرز تفکیک ناپذیری به هم پیوسته اند:

در جبهه سیاست، دولت دموکراسی نوین (که به آن "جمهوری دموکراتیک خلق" نیز می گویند) هم با دیکتاتوری بورژوازی مستقر در جمهوری های سرمایہ داری نوع کهنه اروپا و امریکا تفاوت ندارد و هم با دیکتاتوری پرولتاریا حاکم در جامعه سوسیالیستی (که هدف مرحله دوم انقلاب است). این دولت عبارت است از "دیکتاتوری مشترک چند طبقه ضد امپریالیستی" و "یا" دیکتاتوری مشترک تمام عناصر ضد امپریالیستی و ضد فیودالی به رهبری پرولتاریا."<sup>8</sup> بدین ترتیب از طرفی کلیه عناصر و طبقات ضد امپریالیست و حتی بورژوازی ملی میهن پرست در دولت دموکراسی نوین شرکت دارند، ولی از طرف دیگر طبقات انقلابی خلقی مانند "پرولتاریا، دهقانان، روشنفکران و بخش های دیگر خرده بورژوازی (...)

اجرای اساسی ساخت دولت و ساخت قدرت سیاسی را تشکیل می دهند و رهبری دولت نیز به دست پرولتاریا است (عناصر سوسیالیستی رهبری کننده و تعیین کننده انقلاب). در جبهه اقتصادی نیز با این دو عنصر (سرمایه داری غیر غالب و سوسیالیسم رهبری کننده) در کلیه سطوح مواجه هستیم:

اولاً، در مجموع اقتصاد، "اقتصاد دولتی در جمهوری دموکراسی نوین زیر رهبری پرولتاریا، دارای خصلت سوسیالیستی است و در مجموع اقتصاد ملی نیروی رهبری کننده را تشکیل می دهد."<sup>9</sup> کلیه اهرم های بزرگ اقتصادی که تعیین کننده "وسایل زندگی خلق" هستند، نظیر بانک های بزرگ، مؤسسات صنعتی و تجارتی بزرگ

<sup>4</sup> همانجا

<sup>5</sup> مائوتسه دون: "در باره دموکراسی نوین"

<sup>6</sup> همانجا

<sup>7</sup> لنین: "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک"

<sup>8</sup> مائوتسه دون: "در باره دموکراسی نوین"

<sup>9</sup> مائوتسه دون: "در باره دموکراسی نوین"

چینی و خارجی که "یا خصلت انحصاری دارند و یا دامنه آنها از حدود ظرفیت اداره خصوصی بیرون است"، یعنی مراکزی که در آنها "بزرگترین و عمده ترین قسمت سرمایه در دست امپریالیست ها و چاکران آنها یعنی بورژوازی بوروکراتیک چین متمرکز شده است"<sup>۱۰</sup> توسط دولت بهره برداری و اداره خواهد شد "تا سرمایه خصوصی نتواند وسایل زندگی خلق را زیر نظارت خود گیرد."<sup>۱۱</sup>

"مصادره این قسمت از سرمایه و انتقال آن به جمهوری توده ای که تحت رهبری پرولتاریا است، به وی امکان خواهد داد که شریان های حیاتی اقتصاد کشور را در دست گیرد و به اقتصاد دولتی امکان خواهد داد که به صورت بخش رهبری کننده تمام اقتصاد ملی در آید."<sup>۱۲</sup>

ثانیاً، در زمینه سرمایه داری کوچک و متوسط خصوصی (ملی)، دولت دموکراسی نوین سیاست استفاده از عوامل مثبت این سرمایه داری و تحدید آن را از طرف دیگر اعمال می کند:

"بورژوازی ملی چین و نمایندگانی که در فعالیت خود به وسیله امپریالیسم، فیودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک تحت فشار قرار گرفته و یا محدود شده اند، غالباً در مبارزات انقلاب دموکراتیک توده ای شرکت جسته و یا بی طرفی اختیار کرده اند. بنابراین دلایل و از آنجائی که اقتصاد چین هنوز عقب مانده است، تا مدت نسبتاً مدیدی پس از پیروزی انقلاب لازم است که حتی المقدور از عوامل مثبت سرمایه داری خصوصی شهر ها و دهات برای تکامل اقتصاد ملی استفاده شود.

در این دوره باید به کلیه عناصر سرمایه داری شهری و روستائی که به حال اقتصاد ملی زیانمند نیستند بلکه سودمندند، امکان وجود و تکامل داد. این امر نه فقط اجتناب ناپذیر است، بلکه از لحاظ اقتصادی ضرور است. معذک وجود و تکامل سرمایه داری در چین چنان بدون مانع و محدودیت مانند کشور های سرمایه داری نخواهد بود. سرمایه داری در چین از چند جانب محدود خواهد شد. در میدان عمل آن، از راه سیاست مالیاتی، از راه قیمت های بازار و از راه شرایط کار. ما بر حسب شرایط خاص هر محل، هر رشته و هر دوره، سیاست مناسب و نرمش پذیری به منظور تحدید سرمایه داری از چند جانب، اختیار خواهیم کرد."<sup>۱۳</sup>

ثالثاً، در اقتصاد زراعتی، انقلاب ارضی از مالکان بزرگ خلع ید کرده و دهقانان بی زمین و کم زمین را مالک می سازد و علاوه بر آن وجود اقتصاد دهقانان مرفه را نیز مجاز محسوب می کند. ولی در عین حال مانع رشد این دهقانان مرفه از طرفی و افتادن مالکیت خصوصی دهقانی به جاده سرمایه داری می گردد از این طریق که اشکال مختلف اقتصاد کنوپراتیوی را رواج می دهد: "(این) اشکال مختلف اقتصاد کنوپراتیوی که بر پایه اصل "زمین از آن کشتکار" رشد می یابند، حاوی عناصر سوسیالیستی اند."<sup>۱۴</sup>

"اینگونه کنوپراتیو ها سازمان های اقتصادی جمعی توده های زحمتکش هستند که به اساس مالکیت خصوصی بر پا می شوند و زیر اداره قدرت دولت که به وسیله پرولتاریا رهبری می شود، قرار دارند."<sup>۱۵</sup>

به طور خلاصه، در انقلاب دموکراتیک نوین، عناصر سرمایه داری و سوسیالیستی به شکل زیر تلفیق می شوند:

**در سطح سیاسی و قدرت دولتی:** عناصر و نیرو های اجتماعی متعلق به خرده بورژوازی و بورژوازی انقلابی شرکت دارند، لکن رهبری با پرولتاریا است.

10- مائوتسه دون: "گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی"

11- مائوتسه دون: "در باره دموکراسی نوین"

12- مائوتسه دون: "گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی"

13- مائوتسه دون: "گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی"

14- مائوتسه دون: "در باره دموکراسی نوین"

15- مائوتسه دون: "گزارش به دومین پلنوم ..."

در سطح اقتصادی: عناصر سرمایه داری به صورت مالکیت خصوصی کوچک و متوسط سرمایه داری ملی در صنعت، به صورت خرده مالکین متوسط و کوچک و مرفه در روستا و به صورت همچنین سایر تولید کنندگان جزء (مانند پیشه وران) در شهر و روستا به وجود آمده و یا امکان رشد و تکامل می یابند؛ اما نقش تعیین کننده و رهبری پرولتاریا بر مجموعه اقتصاد از طریق بخش اقتصاد دولتی در صنایع و مؤسسات بزرگ، کنترل و تحدید سرمایه داری در صنعت و تجارت کوچک و متوسط و بالاخره رواج زراعت کئوپراتیوی تحت اداره دولت دموکراسی نوین، تأمین و تضمین می شود.

بدیهی است که فرهنگ دموکراسی نوین نیز جدا از این زیربنا نبوده و در تطابق و در وحدت با آن قرار دارد. آموزش مائوتسه دون در مورد انقلاب دموکراتیک نوین به بررسی و تعیین مضمون اقتصادی - سیاسی این انقلاب محدود نمی شود، بلکه همچنین مسأله مربوط به وسایل و ابزار و سلاح های ضروری برای پیروزی انقلاب را نیز در بر می گیرد:

"حزبی با انضباط، مجهز به تیوری مارکسیستی - لنینیستی که اسلوب انتقاد از خود را به کار می بندد و در پیوند با توده های خلق است، ارتشی که با چنین حزبی رهبری شود، جبهه ای متحد از کلیه طبقات انقلابی و کلیه گروه های انقلابی به رهبری چنین حزبی، این هاست اسلحه سه گانه عمده ای که ما به وسیله آن بر دشمن پیروز شدیم و اینست آنچه ما را از پیشینیان متمایز می سازد. ما پیروزی اصلی را با تکیه بر این اسلحه سه گانه به دست آوردیم (... ) و هر گاه که درین سه زمینه به خطای فاحش دچار آمدیم، انقلاب به ناکامی بر خواهد خورد."<sup>۱۶</sup>

**حزب:** انقلاب چین نشان داد که در شرایط پس از انقلاب اکتوبر، در دوران انتقال پیکار های انقلابی به کشور های تحت سلطه امپریالیسم، رسالت پرولتاریا و حزب آن تنها به رهبری مبارزه جهت دگرگونی سوسیالیستی جامعه محدود نمی گردد، بلکه همچنین رهبری مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و طبقات ارتجاعی وابسته به آن را نیز در بر می گیرد:

"در دورانی که که پرولتاریا قدم به عرصه سیاسی گذاشته است، مسؤولیت رهبری جنگ انقلابی چین ناگزیر بر دوش حزب کمونیست می افتد. در چنین دورانی، هر جنگ انقلابی که توسط پرولتاریا و حزب کمونیست رهبری نشود، محکوم به شکست است (... ) فقط پرولتاریا و حزب کمونیست اند که می توانند دهقانان، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی را رهبری کنند، بر تنگ نظری دهقانان و خرده بورژوازی، بر گرایش خیل بیکاران به خرابکاری و همچنین بر نوسانات و ناپیگیری بورژوازی (البته مشروط بر آن که حزب کمونیست در سیاست خود دچار اشتباه نشود) فائق آیند و انقلاب و جنگ را به راه پیروزی سوق دهند."<sup>۱۷</sup>

**ارتش توده ای:** انقلاب دموکراتیک نوین تنها از طریق جنگ توده ئی به رهبری حزب کمونیست به سر انجام می رسد: "هدف مرکزی و عالی ترین شکل انقلاب تصرف قدرت به وسیله نیرو های مسلح، یعنی حل مسأله از طریق جنگ است"<sup>۱۸</sup> "هر کمونیست باید این حقیقت را درک کند که قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید."<sup>۱۹</sup> شکل اساسی و عمده مبارزه مسلحانه برای تصرف قدرت سیاسی توسط حزب کمونیست در این نوع انقلاب، جنگ توده ئی به اتکاء توده های وسیع، توده های دهقان از طریق ایجاد پایگاه های انقلابی در روستا ها و محاصره شهر

16- مائوتسه دون: "در باره دیکتاتوری دموکراتیک خلق"

17- مائوتسه دون: "مسایل ستراتیژی در جنگ انقلابی چین"

18- مائوتسه دون: "مسایل جنگ و ستراتیژی در جنگ انقلابی چین"

19- مائوتسه دون: "مسایل جنگ و ستراتیژی در جنگ انقلاب چین"

ها از طریق دهات است. مقابله با دشمن قوی و مجهز به ارتش نیرومند که به طور عمد در شهر های کلیدی متمرکز است حکم می کند که نیرو های انقلاب پس از تدارک لازم با استفاده از نقاطی که دشمن در آنجا نسبتاً ضعیف تر است، یعنی با استفاده از روستا ها، به ایجاد پایگاه های انقلابی دست زند و در جریان یک جنگ توده ئی مسلحانه دراز مدت به تدریج به پیروزی نهائی علیه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی نایل آیند. برای بر پا ساختن جنگ توده ئی تحت رهبری حزب کمونیست باید یک ارتش توده ئی به وجود آورد. این ارتش توده ئی در جریان اشکال مختلف مبارزه توده ها و از جمله مبارزات و قیام مسلحانه توده ها، که رزمندگان آن را کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان تشکیل می دهند و آگاهانه به پا خاسته اند، در راه منافع خلق می جنگند و حزب کمونیست رهبر و سازمانده آنهاست، به وجود می آید.

**جبهه متحد ملی:** بدون بسیج و متحد ساختن کلیه نیروهائی که در انقلاب دینفع اند و می توانند در آن شرکت جویند و بدون قرار گرفتن آنها در چارچوب یک جبهه تحت رهبری حزب کمونیست، انقلاب دموکراتیک نوین به پیروزی نخواهد رسید. جبهه متحد ملی عبارت است از جبهه متحد اقشار و طبقات مختلف خلق، جبهه متحد توده های وسیع خلق به رهبری پرولتاریا و حزب آن. استخوان بندی و اساس این جبهه را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می دهد. بدین ترتیب، برای پرولتاریا و حزب آن ایجاد و رهبری چنین جبهه ای قبل از هر چیز به معنای عملی ساختن اتحاد کارگران و دهقانان تحت رهبری پرولتاریا است. پرولتاریا و حزب آن تنها بر چنین اساسی خواهند توانست به اتحاد کلیه اقشار و طبقات خلقی جامعه عمل بپوشانند و رهبری مبارزه مشترک آنان را در دست گیرند.

این اصول، سلاح ها و شیوه های عملی مبارزه که فوقاً بررسی شد، پس از آزمایش پیروزمند در چین، در پراتیک بزرگترین، سخت ترین و طولانی ترین جنگ انقلابی پرولتاریا و آزمایش های متعدد تاریخی دیگر در زمان های مختلف و در مناطق وسیعی از جهان، به مثابه گنجینه های جدید آموزش مارکسیسم و تکامل آن در زمینه تیوری و پراتیک انقلاب به شمار رفته، پایه های تیوریک و رهنمای انقلاب کلیه کشور های مستعمره و نیمه مستعمره، کلیه جوامع تحت سلطه امپریالیسم است. در واقع، تیوری انقلاب دموکراتیک نوین، تیوری چگونگی به سر انجام رساندن انقلاب در این جوامع است و بنابراین آموزش و درک عملی آن، شناخت درست و کاربرد خلاق تیوری ها، اصول و سلاح های آن، شرط قطعی انجام پیروزمند آن است:

"تجربیات ۱۸ ساله گذشته به ما آموخته اند که جبهه متحد ملی، مبارزه مسلحانه و ساختمان حزب سه سلاح معجزه آسای عمده حزب ما برای غلبه بر دشمن در انقلاب چین هستند. این یک دستاورد بزرگ حزب کمونیست چین و انقلاب چین است."<sup>20</sup>

\*\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

<sup>20</sup> - مائوتسه دون: "به مناسبت انتشار اولین شماره کمونیست"